

## تحلیلی بر نگرش‌های عاشوراپژوهی در آثار خاندان آیتی بیرجندی

محمد ولی‌پور<sup>۱</sup>

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲

شماره صفحه: ۱۴۹-۱۷۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۸

### چکیده

واقعه عاشورا در تاریخ اسلام از جمله حوادث اثرگذاری است که کتب زیادی پیرامون آن نگاشته شده است. مطالعه و تحلیل آثار عاشورایی از جهات گوناگون در خور توجه است؛ یکی از موارد مهم، تحلیل نگرش‌ها و بررسی نوع گفتمان‌های موجود در این آثار است. نویسندگان واقعه طف در بیان چگونگی این حادثه و شرح احوال و شخصیت یاران امام حسین (ع) دیدگاه‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند که تنوع و گوناگونی گزارش‌ها را انجامیده است. در میان گزارش‌های ارائه‌شده، آثار خاندان آیتی بیرجندی (محمدباقر، محمدابراهیم و محمدحسین) از جنبه‌های مختلف درخور توجه و واکاوی است. وجود علمای برجسته و صاحب‌قلم، شاخص بودن آثار برخی از این خاندان بویژه توجه به تحریفات و آسیب‌ها، و مستندنویسی از دلایل انتخاب موضوع این نوشتار است. کانون محوری بحث‌های عاشوراپژوهی خاندان آیتی، افزون بر واگویی واقعه بر مبنایی مستدل و مستند، بررسی برخی تحریفات آن است؛ از این‌رو این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به نقد و بررسی آثار عاشورایی این خاندان، و سنخ‌شناسی گفتمان‌های مطرح‌شده پرداخته است.

۱. دکترای تاریخ تمدن و ملل اسلامی، گروه آموزشی تاریخ، دانشگاه فرهنگیان

دستاورد این پژوهش، بیانگر وجود ابعاد سنخ‌شناسانه، نگرش‌های تاریخی، دیدگاه عاطفی، عرفانی و ماورایی در شکل‌گیری آثار عاشوراپژوهی این خاندان است؛ که برخی از این گفتمان‌ها به دلایل پرشماری چون ویژگی‌های متنی (ادبی، تاریخی و فقهی) بر سایر گفتمان‌ها برتری و چیرگی یافته است.

### واژگان کلیدی: عاشورا، خاندان آیتی، تاریخ تشیع

#### مقدمه

نقد و بررسی آثاری که پیرامون واقعه کربلا نگاشته شده، از جنبه‌های گوناگون اهمیت ویژه‌ای در مطالعات تاریخ اسلام بویژه عاشوراپژوهی دارد. از فواید این‌گونه بررسی‌های نقادانه، آسیب‌شناسی ادبیات موجود، گفتمان‌کاوی و تحلیل نگرش‌ها در این آثار است. در آثاری که با نگاه آسیب‌شناسانه و نقادانه پیرامون ادبیات عاشورایی نگاشته شده، آثار خاندان آیتی برجستگی ویژه‌ای دارد که محور بحث این نوشتار، واکاوی آثار سه تن از آنان (شیخ محمدباقر، شیخ محمدابراهیم و شیخ محمدحسین) خواهد بود.

شیخ محمدباقر آیتی (متوفی ۱۳۵۲ق.) از علمای شیعی است که در اکثر کتب تراجم، شرح احوال و آثار او آمده است. وی تألیفات متعددی در حوزه‌های فقهی، تاریخی و کلامی دارد (مرعشی، ۱۴۱۶ق.: ج ۲: ۷). محمدابراهیم آیتی (متوفی ۱۳۴۳ش.) از دیگر شخصیت‌های این خاندان است که در حوزه سیره نبوی و مطالعات تمدن اسلامی، آثار او مرجع اهل علم بوده و آثاری چون بررسی تاریخ عاشورا، تاریخ زندگانی پیامبر اسلام (ص)، سرمایه سخن و تاریخ اندلس از جمله آن‌هاست (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۵۴). یکی دیگر از علمای برجسته این خاندان، شیخ محمدحسین آیتی (متوفی ۱۳۵۰ش.) صاحب بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان می‌باشد که در زمینه عاشوراپژوهی، کتبی چون مقامات‌الابرار و دیوان در غلطان را به رشته تحریر درآورده است (علیزاده‌بیرجندی، ۱۳۸۲: ۱۰۶-۱۰۷).

کانون محوری بحث‌های عاشورا پژوهی خاندان آیتی، افزون بر روایت واقعه عاشورا بر مبنایی مستدل و مستند، بررسی برخی تحریفات آن است که در کتاب کبریت/حمر فی شریط منبر در گستره‌ای بازتر در قالب شرح وظایف اهل منبر و خطابه، نمود پیدا کرده است. در این اثر، نویسنده ضمن اشاره به فرازهایی از رخداد عاشورا و حوادث مرتبط، بر مسؤولیت سنگین راویان اخبار اهل بیت بویژه امام حسین (ع) چارچوب محکمی برای اهل منبر تأکید کرده است. محمدابراهیم نیز از طریق ارائه تحلیل‌های منطقی و براهین محکم و با تکیه بر منابع مستند، سبک متفاوتی در واقعه عاشورا ارائه کرده است. این تمایز سبک را می‌توان در آثار منظوم این خاندان پیرامون روایت عاشورا مشاهده کرد. در حالی که خواننده از آثار منظوم عاشورایی، بیش‌تر انتظار گفتمانی عاطفی و عرفانی دارد، شیخ محمدحسین در روایت منظوم مقامات/الابرار، با تکیه بر منابع و مستندات تاریخی بر ارزش و برتری تاریخی آن افزوده است. همین سبک و نقاط تمایز دیگر نیز باعث انتخاب این موضوع شده است.

مقاله پیش رو، با تمرکز بر آثار خاندان آیتی (شیخ محمدباقر، شیخ محمدابراهیم، شیخ محمدحسین) که در حوزه عاشورا پژوهی نوشته شده، به قصد کاوش در این گفتمان‌ها می‌پردازد و در این واکاوی، پاسخ‌گویی به سؤال ذیل مدنظر قرار گرفته است که: چه رویکردی در گفتمان آثار این خاندان وجود دارد؟

در پیشینه این تحقیق، باید به مقاله‌ی "معرفی، نقد و بررسی کتاب مکین‌الاساس فی احوال مولانا ابوالفضل‌العباس" نوشته علی‌اکبر عباسی اشاره کرد. این مقاله به معرفی و بررسی یکی از آثار محمدباقر آیتی در مورد زندگی حضرت ابوالفضل (ع) و رویدادهای کربلا اختصاص دارد (عباسی، ۱۳۹۶). نیز می‌توان به مقاله گفتمان‌کاوی آثار عاشورایی محمد ابراهیم آیتی نوشته نگارنده که به گفتمان‌های موجود در آثار محمدابراهیم آیتی پرداخته، اشاره کرد. در آن مقاله فقط آثار عاشورایی محمدابراهیم بررسی شده؛ اما در این‌جا، مقایسه‌ای تطبیقی بین آثار خاندان آیتی و تفاوت‌های نگرش آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است (ولی پور، ۱۳۹۹).

در پژوهش‌های محلی از جمله کتاب *تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند* (علیزاده بیرجندی، ۱۳۸۲: ۷۷-۸۶) و *بزرگان قاین* (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۴۹۲-۴۹۶) شرحی اجمالی درباره آثار این خاندان با ماهیتی توصیفی آمده است. تفاوت پژوهش حاضر با آثار مذکور، بعد تحلیلی مبتنی بر گفتمان کاوی این نوشتار با تکیه بر مبانی نظری است. گفتنی است چون گفتمان تاریخی در مقاله گفتمان کاوی آثار عاشورایی محمدابراهیم آیتی به صورتی مفصل آمده، در این جا از ذکر مجدد آن خوداری می‌شود.

بنیان نظری این تحقیق بر اساس سنخ‌شناسی گفتمانی کتاب *تحول گفتمان در گزارش واقعه‌ی کربلا* تألیف میرابوالقاسمی صورت گرفته است. میرابوالقاسمی در این اثر، چهار گفتمان تاریخی، عاطفی، عرفانی و ماورایی را توضیح داده و ویژگی‌های هر یک از آن‌ها را معرفی نموده است.<sup>۱</sup> این نوشتار، ضمن طرح هر یک از آن گفتمان‌ها و شاخص‌های آن، به گفتمان کاویی آثار عاشورایی خاندان آیتی خواهد پرداخت.

### نمود گفتمان تاریخی در آثار خاندان آیتی بیرجندی

از مهم‌ترین آثار شیخ محمدباقر بیرجندی در زمینه‌ی عاشورا پژوهی می‌توان به سه اثر مهم او یعنی *کبریت احمر فی شرایط منبر*، *مکین‌الاساس فی احوال مولانا ابوالفضل‌العباس* و *مفتاح‌الفردوس* اشاره کرد. کتاب *کبریت احمر* در سه بخش تدوین شده که مؤلف، بخش اول و دوم را مقاله، و بخش سوم را جزء نامیده است. مقاله‌ی اول از یک مقدمه و چهار فصل تشکیل شده است؛ فصل اول در فضیلت موعظه، فصل دوم در شرایط وعظ، فصل سوم در شرایط شنوندگان و فصل چهارم درباره‌ی شرایط منبر است. در پایان این مقاله، کتب معتبر موعظه و مقتل را معرفی می‌کند. مقاله‌ی دوم کتاب، حاوی سی مجلس و یک خاتمه است. برای بخش سوم، مؤلف برخلاف دو بخش پیش، عنوان جزء را بعداً اضافه نموده است. مرعشی این قسمت را

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک. به: میرابوالقاسمی، ۱۳۹۳: ۳-۲۲.

که مکین‌الاساس فی احوال مولانا ابوالفضل‌العباس است، جزء کبریت احمر می‌داند (مرعشی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۱۰). اما کتاب مکین‌الاساس به صورت جداگانه به چاپ رسیده (بیرجندی، ۱۳۹۴: ۲۸-۲۹) که نویسنده به اقتضای بحث، فرازهایی از مطالب آن کتاب را به واقعه عاشورا اختصاص داده است.

و اما کتاب مفتاح‌الفردوس شامل سه بخش که مؤلف هر بخش را یک فردوس نامیده، می‌باشد. فردوس اول به سه قسمت تقسیم می‌شود که هر قسمت را قصر می‌نامد. به‌طور کلی فردوس اول در زمینه عقل و ذم جهل، تمسک به قرآن و اهل‌بیت، مذمت اخذ علم از غیر اهل‌بیت و فضیلت علم می‌باشد. در فردوس ثانی به اثبات امامت امام‌حسین (ع) و مکارم اخلاق ایشان و واقعه طف پرداخته است. و اما فردوس سوم شامل ده مجلس است که در مورد پیامبر و انبیای گذشته و نیز شهادت امام‌حسن (ع)، حکایت فدک و شهادت امیرالمؤمنین (ع)، شهادت موسی‌بن‌جعفر (ع) و امام‌رضا (ع) و در آخر هم در مورد امام دوازدهم بحث می‌کند (بیرجندی، ۱۳۵۲: ۲-۳).

مؤلف در سه اثر فوق از دو نوع منبع بهره برده، گروهی از منابع او متقدم هستند که به واقعه عاشورا نزدیک‌ترند و گروهی نیز منابع متأخر؛ که مؤلف در مواردی با نگرشی نقادانه آن‌ها را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است.

محمدباقر گاهی در آغاز و گاه در میانه‌های بحث، سند گفته‌ی خود را ارائه می‌دهد که حاکی از گفتمان تاریخی اوست. از دیگر شاخص‌های گفتمان تاریخی، بیان زمان، مکان و نام اشخاص است که در متون عاشورایی شیخ محمدباقر به چشم می‌خورد. مثلاً از قول سیدبن طاووس در لهوف هنگام حرکت امام‌حسین (ع) از مکه به کوفه می‌گوید: «محمد حنفیه خدمت آن حضرت مشرف شد و عرض کرد ای برادر، می‌دانی که اهل کوفه با پدر و برادر تو مکر کردند و با تو وفا نخواهند کرد؛ در حرم امن خدا اقامت فرما و بیرون مرو!». آن حضرت فرمود: می‌ترسم مرا پنهانی به امر یزیدبن معاویه بکشند و هتک حرمت خدا شود (بیرجندی، ۱۳۹۴: ۲۳۴). در این گزارش نویسنده، اصالت را به گزارش تاریخی داده و سند خود را بیان می‌نماید.

همچنین در گزارشی دیگر در مورد صبح روز عاشورا می‌نویسد: «و اما آن چه عزالدین ابن اثیر در کامل فی‌التاریخ و شیخ مفید به‌اختصار آورده، آن است که عمر بن سعد بعد از آن که نماز خواند، در روز شنبه و به قولی روز جمعه عاشر محرم، مهیای قتال شد. حضرت امام حسین (ع) نیز نماز صبح گزارد و با اصحاب و اهل بیت خود که مجموع سی‌ودو سواره و چهل پیاده بودند، خیم را پشت سر قرار دادند. میمنه را به زهیر بن قین و میسره را به حبیب و رایث را به برادرش عباس عطا فرمود.» (همان: ۶۱۹). یکی از ویژگی‌های کتاب کبری/حمر، عدم توالی وقوع حوادث کربلا توسط نویسنده است.

مؤلف که قصد بیان شرایط منبر دارد و نه نوشتن واقعه عاشورا، خود را ملزم به رعایت توالی رخدادها نکرده است؛ با این حال، این اثر معیارهای گفتمان تاریخی مانند زمان‌مندی، ذکر مکان، نام اشخاص و ذکر منابع را داراست، حتی در موارد فراوانی برای اعتبار بیشتر گفته‌های خویش، روایتی را از دو یا سه منبع نقل و مقایسه می‌کند (همان: ۲۷۷).

در گفتمان تاریخی محمدباقر، گاهی تحلیل تاریخی هم دیده می‌شود. وی مؤلفان و مصنفان گذشته را بدون توجه به شهرت و محبوبیت آن‌ها به نقد می‌کشد (عباسی، ۱۳۹۴: ۱۴۹). چنان‌که در مورد پیکر مطهر حضرت عباس (ع) طریحی می‌گوید: نعش آن حضرت را امام (ع) به خیمه آورد و اهل حرم محترم، به تعزیه‌ی آن سرور آمم مشغول شدند (طریحی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۰۷). اما شیخ محمدباقر در رد نظر طریحی می‌نویسد: «ظاهر، آن است که حضرت سیدالشهدا ارواحنا فدا از کثرت جراحات و غیر آن، متمکن نشدند از الحاق آن جسد مطهر به سایر فتیان که ایشان را نزدیک خیمه جمع می‌کرد؛ که سرهای ایشان جدا نشود و پایمال نشوند» (بیرجندی، ۱۳۹۴: ۳۱۵).

نمونه‌ای دیگر از گفتمان تاریخی شیخ محمدباقر، جایی است که می‌نویسد: «بدان حکایت عروسی که در منتخب طریحی مرسلأ و در مدینه‌المعاجز از آن نقل شده، اصلی ندارد و یقیناً دروغ است و فاطمه بنت مولانا حسین، زوجه حسن مثنی بود و شوهر او در واقعه کربلا با او بود و زخم بسیار برداشت و اسماء بن خارجه او را به کوفه برد و مداوا کرد و چون صحیح شد، به

مدینه روانه نمود» (همان: ۵۶۳). در بعضی منابع آمده است که در کربلا حضرت قاسم (ع) به دستور امام حسین (ع) با فاطمه بنت حسین (ع) ازدواج کرد و برای آن‌ها حجله‌ی عروسی درست کردند؛ که از تحریفات تاریخ است. اولین کسی که این حکایت را نقل کرده است، ملاحسین کاشفی در روضه‌الشهدا است که شهید مطهری آن را رد می‌کند (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۶۹).

شیخ محمدباقر همچنین در کتاب مکین‌الاساس در مورد دفن شهدا از قول شیخ مفید می‌نویسد: «بعد از آن که بیرون رفت عمر سعد از کربلا، آمدند طایفه‌ای از بنی‌اسد که موطن در غاضریه بودند و نماز کردند و دفن کردند سیدالشهدا را و دفن کردند ولد او علی‌بن‌الحسین اصغر در پایین او. و حفره‌ای کردند برای جمیع شهدا از اهل بیت و اصحاب «دفن‌وهم جمعاً معاً؛ پس همه را با هم در آن حفره دفن کردند، غیر عباس بن علی» (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۱۴۳).

در بررسی دلایل و عوامل اثرگذار بر اتخاذ رویکرد تاریخی در آثار محمدباقر، نقش استادان و گرایش‌های فکری آنان بویژه میرزای شیرازی که محمدباقر از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۵ ق. در سامرا افتخار شاگردی ایشان را داشته است (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۱۲) و تعلق وی به مکتب سامرا<sup>۱</sup> بی‌تأثیر نبوده است. پیروان این مکتب گرایش به روش فکری بر پایه‌ی استدلال و اقامه‌ی برهان دارند؛ پس این نوع گفتمان تاریخی و بویژه رویکرد انتقادی محمدباقر که بیش‌ترین نمود آن در اثر شاخص وی یعنی کبریت/حمر بروز کرده نیز، در تأثیرپذیری از مکتب سامرا است.

گرچه محمدباقر بیرجندی تأکید خاصی به ارائه‌ی اسناد و شواهد در نقل وقایع دارد، رویکرد تاریخی در نوشته‌های او مانع بروز دیگر گفتمان‌ها در آثارش نشده است.

محمدابراهیم آیتی نیز در سه اثر خود به حادثه‌ی عاشورا پرداخته است: بررسی تاریخ عاشورا،

۱. مکتب سامرا نامی است که بر شیوه‌ی علمی جمعی از فقها و محدثان امامیه در قرن ۱۳ و ۱۴ ق. اطلاق می‌شود. این شیوه‌ی علمی جدید با هجرت میرزای شیرازی از نجف به سامرا شکل گرفت که ویژگی‌های مخصوص خود دارد؛ از جمله بر پژوهش و شاگردمحوری تکیه دارد. در این مکتب فکری، آموزش بر پایه‌ی ژرف‌نگری در مسائل و نظریه‌پردازی به جای تمرکز بر نقل دیدگاه‌های دیگران بود. نزد میرزا تفکر از اهمیت خاصی برخوردار بود. در این مکتب پژوهش جایگاه ویژه‌ای داشت. میرزای شیرازی برای نگارش ارزش‌زبانی قایل بود. از دیگر ویژگی‌های مکتب سامرا بیان ساده و قلم شیوا، گرایش به عرفیات، تقدم فقه بر اصول و توجه به مسایل سیاسی روز بود. (دارایی، ۱۳۹۲: ۳۹-۴۰).

گفتار عاشورا و سرمایه‌ی سخن. بررسی تاریخ عاشورا مجموعه‌ی هفده سخنرانی است که او در رادیو ایران طی سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ هجری خورشیدی است که توسط علی‌اکبر غفاری گردآوری شده است. وی از منابع متقدم که به واقعه‌ی عاشورا نزدیک‌ترند، استفاده بیش‌تری کرده است. او از ابتدای واقعه عاشورا، روند حوادث را پی می‌گیرد و تا پایان سفر به دمشق با رعایت توالی، وقایع را تحلیل و بررسی کرده، به ریشه‌یابی حادثه عاشورا از زمان خلافت عثمان می‌پردازد. وی در پایان، مبحثی درباره اربعین به کتاب افزوده است.

در آثار محمدابراهیم نشانه‌های گفتمان تاریخی، نظیر رعایت توالی زمانی رویدادها و مستندسازی دیده می‌شود. او سعی نموده بیش‌تر، از منابع دست‌اول حوادث را پیگیری نماید و با در نظر گرفتن عنصر زمان و مکان، اصالت را به گزارش‌های تاریخی بدهد. در جای‌جای نوشته‌های عاشورایی او پای‌بندی به ذکر منابع و آوردن نام اشخاصی که نقشی در این حادثه دارند، سیطره‌ی گفتمان تاریخی را آشکار ساخته است (آیتی، ۱۳۷۲: ۴۶).

وی در کتاب بررسی تاریخ عاشورا که مهم‌ترین اثر عاشوراپژوهی اوست، گفتار خود را به منابع نزدیک به واقعه‌ی عاشورا مستند کرده است؛ چنان‌که از قول مسعودی می‌نویسد: «قیمت املاک خلیفه‌ی سوم در وادی‌القری و همچنین جاهای دیگر به صد هزار دینار می‌رسد» (همان: ۶۸). وی در استناد وقایع در موارد زیادی سعی کرده تا سلسله‌ی روایان خبر را معرفی کند تا بر اطمینان و اعتبار کلامش بیفزاید. برای نمونه می‌گوید: «بوالفرج اصفهانی در کتاب مقاتل‌الطالبیین از مردی به نام محمدبن حسین آشنائی نقل کرده که می‌گوید خیلی طول کشیده بود که من از ترس، به زیارت حسین بن علی (ع) موفق نشده بودم. بالاخره خود را به خطر انداختم» (همان: ۳۹).

محمدابراهیم آیتی سعی نموده از عنصر زمان و مکان که از ملاک‌های مهم گفتمان تاریخی است، به خوبی استفاده کند؛ چنان‌که می‌نویسد: «امام حسین (ع) یک‌شنبه ۲۹ ماه رجب سال ۶۰ هجرت با همسران و برادران و برادرزادگان و بیش‌تر افراد خانواده خویش، از مدینه بیرون رفت و شاهره مکه را درپیش گرفت» (همان: ۵۰). یا در ادامه می‌نویسد: «امام (ع) روز سوم ماه شعبان

وارد مکه گشت و در نیمه ماه رمضان، عموزاده‌ی خود مسلم‌بن عقیل را به کوفه فرستاد. بقیه ماه رمضان و شوال و ذی‌القعدة و تا هشتم ذی‌الحجه در مکه ماند» (همان: ۸۰).

به‌طور کلی رویکرد محمدابراهیم آیتی به وقایع عاشورا، حاکی از نوگرایی در دیدگاه‌های وی، قوت استدلال و پختگی تحلیل‌های اوست. همه‌ی این شاخص‌ها علاوه بر تحصیلات و بعدها تدریس وی در فضاهای آکادمیک (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۵۴) ناشی از متدولوژی و منش فکری اوست. در مورد شاخص‌های روش‌شناسی وی و وثاقت روایت‌های او افرادی چون مطهری و آرام، او را مردی کم‌نظیر دانسته‌اند (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۹).

به نظر می‌رسد رویکرد انتقادی و تحلیل‌های او، علاوه بر این‌ها، تحت تأثیر حلقه فکری انجمن مهندسان با حضور شخصیت‌هایی چون بهشتی و مطهری و آشنایی او با زبان‌های عربی و انگلیسی بوده است.

از دیگر افراد صاحب‌قلم خاندان آیتی، شیخ محمدحسین (۱۳۱۰-۱۳۹۱ق.) است. وی صاحب آثار متعددی از جمله دو اثر منظوم با نام‌های *مقامات‌الابرار* و *در غلطان* است که پیرامون وقایع عاشورا سروده شده‌اند. مباحث عاشورایی کتاب *مقامات‌الابرار* به‌صورت سه جلدی به نام *حماسه عاشورا* توسط اسماعیلی آیتی و دیگران با تفسیر و معنای روان چاپ شده است. کتاب *مقامات‌الابرار* از پنج دفتر تشکیل شده که دفتر چهارم و پنجم آن درباره واقعه عاشورا و شامل هفت‌هزاروپانصد بیت است. دفتر چهارم و پنج این کتاب تحت عنوان *روضه‌الشهدا در مقتل امام‌حسین (ع)* است که بنا به گفته مؤلف، مطابق اخبار صحیح و آثار معتبر به نظم درآمده است. مهم‌ترین منابعی که نویسنده از آن‌ها بهره برده، به شرح ذیل است: الارشاد مفید، امالی شیخ‌صدوق، لهوف سیدبن طاووس، مقاتل‌الطالبیین ابوالفرج اصفهانی، بحارالانوار مجلسی، *قمقام زخار* فرهادمیرزا<sup>۱</sup>، کامل بهایی عمادالدین طبری و *منتخب‌التواریخ* طریحی.

با وجود این تصور که در کلام منظوم، گفتمانی عاطفی و عرفانی است، استفاده از منابعی که

۱. فرهاد میرزا معتمدالدوله نوه‌ی فتح‌علی‌شاه قاجار از نویسندگان دوره‌ی قاجار است که کتاب *قمقام زخار* و *مصمص تبار* را به زبان فارسی نوشته. این کتاب به تفضیل در شرح‌احوال‌ات امام‌حسین (ع) است (فرهاد میرزا، ۱۳۹۷: ۶).

در اول کتاب آورده، و توالی ذکر وقایع برحسب زمان، و برجسته نمودن مکان و نام اشخاص در ذکر وقایع، از شاخص‌های گفتمان تاریخی در آثار عاشورایی مؤلف به‌شمار می‌رود (آیتی، ۱۳۳۷: ۲۳۷-۲۳۸). چنان‌که می‌سراید:

روز جمعه سوم شعبان نزول کرد اندر مکه فرزند رسول  
شد مقیم کعبه، آن شکوه نور مکه از نورش شدی دارالسرور (همان: ۲۴۰)

ورود امام (ع) به مکه در روز سوم شعبان سال ۶۰ هجرت را منابع متقدم مانند/رشاد هم نقل کرده‌اند (مفید، ۱۳۹۵، ج ۲: ۵۹). مؤلف روند وقایع را نیز از ورود امام (ع) به مکه و خروج ایشان از آن شهر و رفتن به عراق و آن‌چه در منازل بین راه اتفاق افتاده، به ترتیب توالی وقوع حوادث به نظم درآورده که حکایت از گفتمان تاریخی دارد (آیتی، ۱۳۳۷: ۲۷۰-۲۷۱). همان‌طور که در قضیه فرستادن مسلم‌بن عقیل به کوفه با تکیه بر منابع تاریخی چنین سروده است:

الغرض برحسب امر شهریار سوی کوفه گشت مسلم رهسپار  
در مدینه کرد چون باری نزول رفت اندر روضه‌ی پاک رسول  
وز قبيله قیس بگرفتی دلیل تا برد آن راه بر غیر سبیل (همان: ۲۴۴-۲۴۵)

این واقعه‌ی تاریخی را دینوری در *اخبار الطوال* به همین منوال می‌آورد (دینوری، ۱۳۶۴: ۲۷۹-۲۸۰). مؤلف *مقامات‌الابرار*، حوادث کربلا را در قالب نظم با تمامی ظرایف و دقت پی می‌گیرد و آن‌ها را به ترتیب زمان وقوع رویدادها، مطابق منابع تاریخی با زبان شعر به تصویر می‌کشد و در بیان رویدادها نام اشخاص را قید می‌کند:

گفت در کامل، طبرسی این خبر واین حدیث آورد از اصحاب سیر  
در عزای حضرت شاه شهید خواست رخصت ام کلثوم از یزید  
داد پیغامش زکیه‌ی طاهره دختر زهرا شمس زاهره  
ما در این مدت که بوده‌استیم اسیر روز و شب در دست دشمن دستگیر  
محنت آبت به ما فرصت نداد کاوریم از آن شهیدان نیک یاد  
(آیتی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۷۸-۱۷۹).

تا جایی که ام‌کلثوم از یزید در دارالحجره‌ی دمشق اجازه‌ی برپایی عزا اخذ می‌کند (طبری، ۱۳۸۶: ۶۴۴). شیخ محمدحسین آیتی تحت تأثیر فضای فکری حاکم بر خاندان مذکور، بویژه پیرو شیوه‌نوشتاری محمدباقر و محمدابراهیم در اشعار خود که می‌بایست عرصه تجلی احساسات و عواطف باشد، رویکردی علمی و تاریخی اتخاذ کرده است. در این میان، تحصیلات وی در نجف و فضای فکری حوزه در گفتمان تاریخی او بی‌تأثیر نبوده است (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۷۴-۳۷۵).

### گفتمان ماورایی در آثار عاشورایی خاندان آیتی

در گفتمان ماورایی بر اصالت عوامل غیرمادی و ماوراءالطبیعی در بروز یک رویداد تأکید شده است. این گفتمان دارای وجوه مشترکی با گفتمان‌های عاطفی و عرفانی است. داستان‌پردازی و برقراری ارتباط مؤثر با اذهان عمومی، دور کردن مخاطب از حقیقت تاریخی وقایع و القای تقدیرگرایی از شباهت‌های آن با گفتمان عرفانی است. شاخص‌های این گفتمان، پیش‌گویی، تقدس روز عاشورا و یا سوگواری کائنات و کرامات و معجزه است (میرابوالقاسمی، ۱۳۹۳: ۱۹). با توجه به آنچه در مباحث گفتمان تاریخی آمد هر سه مؤلف در ذکر سند برای گفته‌های خود در آثار عاشورایی تلاش داشتند؛ اما این، به معنی نبود نموده‌هایی از دیگر گفتمان‌ها در آثارشان نیست. در موارد پُرشمار، گفتمان‌ها حالت ماورایی پیدا می‌کند که گویا مؤلف از نویسندگان گذشته تأثیر پذیرفته است.

محمدباقر در آثار عاشورایی خود نموده‌هایی از گفتمان ماورایی با رویکرد اعتقادی آورده است. مثلاً می‌نویسد: وقتی که امام حسین (ع) و یارانش از قصر بنی‌مقاتل کوچ کردند، عقبه‌بن ابی‌سمعان می‌گوید یک‌ساعتی که راه رفتیم، حضرت سیدالشهدا را خواب درر بود بر بالای اسب؛ پس بیدار شد و سه مرتبه فرمود: «انالله و انا الیه راجعون» پسرش علی‌اکبر (ع) از او پرسید سبب استرجاع چه بود؟ فرمود: ای فرزند، مرا خواب درر بود؛ پس سواره‌ای به نظرم آمد که بر اسبی سوار بود و می‌گفت این جماعت که سیر می‌کنند، مرگ به سوی ایشان می‌آید! پس دانستم که خبر مرگ ما را به ما می‌دهد (بیرجندی، ۱۳۹۴: ۲۱۸). یا در جای دیگر در مورد کمبود آب در کربلا می‌نویسد:

«وقتی دیگر چاهی کردند و آب نیافتند. پس آن حضرت کلنگی برگرفتند و نوزده قدم و در روایتی نه قدم از عقبه‌ی خیمه‌ی زنان، رو به قبله برداشتند و بر زمین زدند؛ نهر آب شیرینی جاری شد و آب آشامیدند. تمام جماعت، مشک پُرآب کردند. پس آن چشمه مفقود شد و کسی اثری از آن ندید» (همان: ۳۶۹). یا می‌نویسد که «آن حضرت انگشت ابهام را در کف مبارک گذارد و همه را سیراب فرمودند» (همان: ۳۷۰). در هر دو روایت فوق نمونه‌هایی از گفتمان ماورایی، یعنی معجزه و خواب مطرح شده است.

در گفتمان ماورایی نوعی تقدس‌گرایی وجود دارد که به عاشورا و حوادث آن جنبه‌ای مقدس می‌بخشد و به شنونده القا می‌کند که این واقعه از روز ازل رقم خورده و باید صورت می‌پذیرفت. چنان که می‌گوید: هنگام تولد امام حسین (ع) ملائکه، مثل صرصائیل<sup>۱</sup>، دردائیل<sup>۲</sup> و فطروس<sup>۳</sup> توسل به امام حسین (ع) جستند و بعد، ملکی آمد خدمت حضرت رسول (ص) و قبضه‌ای از خاک کربلا به آن حضرت داد و عرض کرد: «وقتی این تربت تغییر یابد و مبدل به خون عبیط<sup>۴</sup> گردد، آن وقت فرزند تو شیهه شده است» (همان: ۴۱۲).

این نوع گفتمان در آثار محمدباقر اگرچه بیانگر تلاشی است تا عقاید شیعه امامیه را گسترش دهد، اما به معنی جزمی‌گری و نبود مبانی استدلال در آرای او نیست. شاهد این ادعا تحلیل‌ها و انتقاداتی است که در گفتمان تاریخی آمد.

---

۱. یکی از ملائکه‌ی مقرب درگاه الهی است که در بسیاری منابع آمده قضیه‌ی ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) را به پیامبر (ص) از طرف خداوند مطرح کرد (خوارزمی، ۱۴۱۱ق: ۳۴۰).

۲. یکی از ملائکه‌ی مقرب الهی است. ابن عباس می‌گوید: شنیدم که رسول خدا (ص) می‌فرمود خدای تعالی را فرشته‌ای است که دردائیل نام دارد او را شانزده‌هزار بال است (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۸۲).

۳. فطروس یکی از دیگر از فرشتگان درگاه الهی است که هنگام تولد امام حسین (ع) همراه با جبرئیل خدمت رسول خدا (ص) رسیدند که در مورد او داستان‌هایی نقل کرده‌اند (قمی، ۱۳۹۳: ۹۳۰).

۴. خون تازه

از دیگر شاخص‌های گفتمان ماورایی در آثار محمدباقر که مربوط به واقعه کربلا می‌باشد و نشان از تمایل نویسنده به گفتمان ماورایی، کاربرد علایمی چون سوگ‌واری کائنات بر امام حسین (ع) و معجزات و کرامات می‌باشد که به‌اختصار به نمونه‌هایی اشاره می‌گردد:

جایی می‌نویسد: چون شمر لعین سر مطهر سیدالشهدا بر نیزه بلند کرد، تکبیر گفت و به موافقت او لشکریان سه بار تکبیر گفتند. زمین به زلزله آمد و هوا تاریک شد و از آسمان خون بارید و منادی از آسمان ندا کرد. «قتل والله الامام، ابن الامام، اخوالامام» پس غبار شدیدی بلند شد در نهایت تاریکی، و باد سرخی وزیدن گرفت که گمان کردند عذاب نازل شد و در بیت المقدس هر سنگی از زمین برداشتند، از آن خون جوشید (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۲۶۹).

گفتمان ماورایی در آثار محمدابراهیم هم به چشم می‌خورد. در بسیاری موارد، ابتدا با گفتمان تاریخی بحث‌های مربوط به عاشورا را شروع می‌کند و آن‌گاه، بحث را به سمت‌وسوی گفتمان ماورایی می‌برد. چنان‌که می‌گوید: «امام حسین (ع) هنگامی که از مکه به قصد کوفه عزیمت نمود، عبدالله جعفر با برادر حاکم مکه حامل نامه‌ای از برادر خود عمرو بن سعید برای امام بود و از امام خواست که با اطمینان خاطر برگردد. امام (ع) فرمود من جد خود رسول خدا را در خواب دیده‌ام که او، امر فرموده است تا به این راه بروم. گفتند که چه خواب دیده‌ای؟ فرمود: خواب خود به کسی نگفته‌ام و تا زنده باشم، به کسی نخواهم گفت (آیتی، ۱۳۷۲: ۹۳). نویسنده با کنار هم قراردادن خطبه‌های امام حسین (ع) به این نتیجه رسیده که هرچه امام از مکه به طرف کوفه و کربلا جلوتر می‌آید، به مناسبت‌های مختلف سخن از شهادت و فداکاری و جانبازی به میان می‌آورد؛ یعنی می‌خواهد بگوید که این حرکت و اقدام از قبل رقم خورده است و اصلاح فساد موجود در جامعه جز با شهادت من امکان‌پذیر نیست. با توجه به این‌که او نوعی تقدیرگرایی را مطرح می‌کند و یا از طریق خواب و ورای این جهان به واقعه طف می‌نگرد، گفتمانی ماورایی است.

در آثار شیخ محمدحسین آیتی گرچه توالی تاریخ در بیان واقعه طف وجود دارد، نوعی گفتمان ماورایی هم دیده می‌شود. مؤلف فوق در دو اثر منظوم *در غلطان* و *روضه‌الشهدا* (حماسه عاشورا)

در بعضی از اشعار از این گفتمان استفاده کرده است. آن جا که در دیوان در غلطان می نویسد:

فطروس سلام ما برسان چون که بگذری بر تربت مطهر سلطان کربلا (آیتی، ۱۳۴۶: ۱۰۳).

این بیت برگرفته از قضیه فطروس ملک است که مورد شفاعت امام حسین (ع) قرار گرفت (راوندی، ۱۳۶۹: ۲۰۰). شیخ محمدحسین ضمن بیان رویداد کربلا سعی می کند گفتمان ماورایی را هم بیاورد و انگیزه سرودن اشعار خود را توضیح دهد؛ چنان که می گوید: واقعه قیام امام حسین (ع) را تا ورود اسیران به کوفه به صورت نظم درآورده بودم که وقتی دست نمی داد تا ورود اسراء به شام و از آن جا به مدینه را به نظم درآورم. تا این که سیدجلیل برادرزاده میرزا محمدحسن شیرازی از اصفهان به بیرجند آمده بود و خوابی که دیده بود، برای من نقل کرد و گفت که حضرت زینب (س) در عالم رؤیا فرمودند اکنون که در بیرجند هستی، به شیخ محمدحسین بگو: «مقتلی که می نویسد کامل کند و آن را ناقص رها ننماید» که من از شنیدن این نوید و بشارت دفتر پنجم را به نظم درآوردم (آیتی، ۱۳۸۸، ج ۱، مقدمه: ۳) نیز در شعر دیگری می سراید: هنگامی که امام حسین (ع) قصد خروج از مدینه را دارد، برای خداحافظی به بقیع می رود و خطاب به برادرش امام حسن (ع) می گوید:

مصرع من باشد اندر نینوا	در بقیعت می گذارم بی نوا
من به سوی کربلا بایدشدم	در جوار جد، تو را باشد وطن
خوابگاه کشتگان کربلاست (همان: ۷۲)	نینوا جای غریبان بلاست

### گفتمان عاطفی در آثار خاندان آیتی

گفتمان عاطفی: گفتمانی است که برجسته سازی وجه یا وجوه عاطفی یک رویداد (عمدتاً حوادث غم انگیز) محوری ترین رویکرد آن را شکل می دهد. این گفتمان با شاخص هایی چون ابراز انزجار، اندوه، ایثار، پاداش، عقوبت اخروی و دنیوی، تشنگی، تنهایی، غربت، گریستن و داستان پردازی تبیین شده است (میرابوالقاسمی، ۱۳۹۳: ۱۶-۱۷).

شیخ محمدباقر در زمینه ارائه گزارش واقعه‌ی عاشورا، گرچه سعی می‌کند سند و مدرک معتبر ارائه نماید اما با عشق و علاقه‌ای که به خاندان عصمت و طهارت دارد، توجه را از گفتمان تاریخ به عاطفه و احساسات سوق می‌دهد (بیرجندی، ۱۳۹۴: ۳۹۳). ابیاتی که در مورد میدان رفتن عباس (ع) می‌آورد، شاهد این مدعا است.

منبع جود و فتوت، معدن حلم و حیا      نور چشم حیدر صفدر، امیرمؤمنان  
کی توان او را جداکردن ز ولد فاطمه      نوگل باغ دل زهراست آن سرو روان  
(بیرجندی، ۱۳۹۰: ۲۰۷).

در این ابیات مؤلف درباره‌ی فضیلت حضرت عباس (ع) تأکید دارد و فضایل او را برجسته نموده که در حقیقت، نوعی گفتمان عاطفی است. در جایی دیگر مؤلف از سر سوز و عشق، قصایدی در مورد واقعه عاشورا می‌سراید که گفتمان عاطفی او را پررنگ می‌کند. او می‌گوید:

یکی زمن این خبر به شام ویران برد      کتاب هجو مرا به پورسفیان برد  
بگویدش کای پلید خلیفه کردی یزید      که دین و ایمان خلق، به سان شیطان برد  
(بیرجندی، ۱۳۹۴: ۴۷۳).

دیگر از گفتمان عاطفی محمدباقر در قالب نثر این است که در شجاعت ابوالفضل (ع) می‌نویسد: «آنچه واقع شد از شیر بیشه‌ی شجاعت در مقابله با کفره طغات و مانعین آب فرات، از آنچه متمکن نشد از آن کسی به غیر برادر رشیدش حضرت امام حسین (ع) از متفرق نمودن چهارهزار سوار و پیاده و مالک‌شدن شریعه» (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۸۱). گرچه این مطلب گویای گفتمان عاطفی مؤلف است اما وی همین را با سند از/کسیر/عباد فاضل دربندی نقل می‌کند که در منابع دیگر دیده نمی‌شود (عباسی، ۱۳۹۶: ۱۱۸).

در آثار محمدابراهیم علاوه بر گفتمان تاریخی-تحلیلی در بیان واقعه عاشورا، در بعضی موارد گفتمان عاطفی هم دیده می‌شود و در بیانات خود برای آگاهی بیش‌تر مخاطب، از احساسات و عواطف هم بهره می‌برد. آن‌جا که می‌گوید امام (ع) در صبح روز عاشورا خطبه‌ای در نهایت بلاغت و فصاحت ایراد کرد و مردم کوفه را مخاطب قرار داد و گفت: ای مردم مرا بشناسید که من که

هستم؟ آن‌گاه به خود آید و خود را ملامت کنید و نیک بیندیشید که آیا کشتن و پایمال کردن حرمت من بر شما جایز است؛ مگر من دخترزاده‌ی پیامبر شما نیستم؟ و در ادامه می‌نویسد که امام (ع) فرمود: مگر حمزه سیدالشهدا عموی پدرم نیست؛ مگر جعفر بن ابوطالب، همان شهیدی که دو بال دارد و با فرشتگان خدا پرواز می‌کند، عموی من نیست؟ که نوعی گفتمان عاطفی است. و در ادامه می‌نویسد که امام حسین (ع) در خطبه‌اش فرمود: «مگر نشنیده‌اید که رسول خدا درباره‌ی من و برادر من حسن گفته است این دو پسر من دو آقای جوانان بهشتی‌اند؟» (آیتی، ۱۳۷۲: ۱۱۴).

نوعی دیگر از گفتمان عاطفی که در نوشته‌های محمدابراهیم، در بیان ورود اسیران کربلا به کوفه است: «خطبه‌های این گویندگان شجاع و بی‌نظیر در سینه‌های مردم جای گرفت؛ دل‌ها را تکان داد، تشخیص مردم را عوض کرد، اشک‌ها را جاری کرد و مردم را به اشتباه بزرگ‌شان توجه داد، و احساسات مردم را برانگیخت. و در جایی می‌آورد که اسیران، وقایع کربلا را همان‌طور که بود، گفتند، هرزگی‌های دشمن را گفتند» (همان: ۱۲۵). و یا درباره وقایع عصر روز عاشورا می‌نویسد: «با اسیران داغ‌دیده تندی و درشتی کردند، بر لب‌ها و دندان‌های امام (ع) چوب زدند» (همان: ۱۲۴). که گفتمان عاطفی را مطرح می‌کند.

در آثار عاشورایی محمدحسین آیتی تلاش شده روند حوادث کربلا بر اساس منابع، با رعایت توالی زمانی به نظم درآید، اما سروده‌های او خالی از عواطف و احساسات نبوده و نوعی گفتمان تاریخی - عاطفی است. چنان‌که در بیان آخرین لحظات نبرد امام حسین (ع) با سپاه دشمن می‌نویسد:

و اندر آن حالت که شه مدهوش بود	و ناتوان و از سخن، خاموش بود
حمله‌بردی شمر سوی خیمه‌گاه	دست بگشایند بر غارت سپاه
شاه را غیرت، دوباره زنده کرد	سر، بلند او با رخ رخشنده کرد

(آیتی، ۱۳۳۷: ۴۰۶-۴۰۷).

اما گفتمان صرفاً عاطفی هم در سروده‌های او زیاد است (همان: ۳۹۷). در مواردی گفتمان عاطفی او چنان به اوج می‌رسد که گفتمان تاریخی و ماورایی را هم تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ چنان‌که در حماسه‌ی عاشورا از زبان حضرت زینب، هنگامی که سر امام (ع) را در کوفه بالای نیزه می‌بیند، می‌سراید:

می‌ندانستم روی با این شتاب  
و این چنین مقدر باشد در کتاب  
من بر روی محمل و باشم اسیر  
تو سرت بر نیزه، ای ماه‌منیر

(آیتی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۵۵).

در دیوان در غلطان نیز می‌نویسد:

گو به بلبل بکشد ناله، که ایام غم است  
نوبت ماتم سلطان شهیدان برسید  
گلشن فاطمه را فصل خزان از ستم است  
چشمه‌ی اشک، ز هرچشم، روان دم‌به‌دم است

(آیتی، ۱۳۴۶: ۱۰۳).

به نظر می‌رسد شیخ محمدحسین آیتی هرچند رویدادهای کربلا را از مدینه کوفه و شام به نظم درآورده و درصدد شرح اندوه عمیق ستم‌دیدگان برای ابراز و گسترش نفرت از ستم‌گران صحنه کربلا به مخاطب است، اما قصد داستان‌سرایی ندارد. او جز با همان آگاهی تاریخی خود سخن نمی‌گوید؛ که مضامین تاریخی را در قالب عاطفی و احساسی یا گفتمان عاطفی به شنونده انتقال می‌دهد.

### گفتمان عرفانی در آثار عاشورایی خاندان آیتی

گفتمتن عرفانی، گفتمانی است با رویکرد شهودی که کفه‌ی حوادث و رویدادهای این جهانی را در ماهیت آن جهانی و معنوی با تفسیری قدسی جست‌وجو می‌کند. شاخص‌های این گفتمان، ابتلا و آزمایش الهی، تکامل معنوی، عشق، نزاع حق و باطل، نفی غم و وصال الهی است (میرابوالقاسمی، ۱۳۹۳: ۱۶).

در مباحث گذشته بیان شد که هرچند گفتمان تاریخی، عاطفی و ماورایی چگونه جلوه‌هایی را در آثار محمداقرا به خود اختصاص داده، اما این به مفهوم نبود گفتمان عرفانی در نوشته‌های نیست. نموده‌های گفتمان عرفانی نوشته‌های او کم‌تر است؛ مانند این بیت:

چون زند عشق، حلقه‌ای بر در                      نه پسر می‌شناسد و نه پدر  
هرکه باشد ز دوستی آگاه                      دارد از حال شاه تشنه، خبر

(بیرجندی، ۱۳۹۴: ۳۹۳).

یا در بیان واقعه عاشورا می‌نویسد: بنا به قول مجلسی و سیدبن طاووس، خدا امام حسین (ع) را در بین دو مسأله یعنی شهادت و لقای یار و پیروزی مخیر گذاشت که آن مفخر دودمان خلیل، لقای حضرت جلیل را اختیار فرمود (همانجا). در اینجا مؤلف سه گفتمان تاریخی، ماورایی و عرفانی را به هم آمیخته و در پایان مسأله‌ی لقای معبود و پیوستن به حضرت جلیل را مطرح می‌کند؛ که گفتمانی عرفانی است.

در آثار و نوشته‌های عاشورایی محمداقرا، گفتمان عرفانی به شدت گفتمان تاریخی نیست؛ وی تنها در موارد نادری از گفتمان عرفانی استفاده کرده است. اصطلاحاتی چون جانبازی، لقای پروردگار و شوق به شهادت در آثار او به کار رفته که نشان از گفتمان عرفانی دارد. چنان‌که از قول زین‌العابدین می‌نویسد: امام در شب عاشورا به یاران خود گفت فردا روز شهادت است و اصرار ورزید که هر یک از شما دست یکی از اهل بیت مرا بگیرید و از این ورطه بیرون روید؛ و در شهرهای خود پراکنده شوید تا خدا به شما گشایش دهد (آیتی، ۱۳۷۲: ۱۰۷). یا: "زهیر گفت به خدا قسم دوست دارم که کشته شوم و سپس زنده شوم؛ آنگاه تا هزار بار دوباره کشته شوم، و این وسیله‌ای باشد که خدا تو را و جوانان اهل بیت تو را حفظ کند و شما زنده بمانید!" که شاخص‌های گفتمان عرفانی را داراست. در شب عاشورا در برابر پیشنهاد امام (ع)، یاران وی گفتند: «شکر، خدای را که راه سعادت ما را هموار ساخت و شهادت با تو را؛ که بالاترین شرافت است که به ما روزی کرد» (آیتی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۷۰-۱۷۱).

شیخ محمدحسین آیتی در کتاب حماسه‌ی عاشورا، گرچه به گفتمان تاریخی و عاطفی برتری می‌دهد اما در مواردی نشانه‌هایی از گفتمان عرفانی بروز می‌دهد که نموده‌هایی از آن در فراز اول جلد سوم حماسه عاشورا در شهادت و جانبازی امام حسین (ع) در راه معشوق از آن جمله است:

در ره معشوق، چون از سرگذشت	از سر و حنجر و پیکر گذشت
از ضیاع و مال و فرزند و عیال	وز زنان و کودکان خردسال
خود به‌سوی ایزد، رخت برد	آن چه را بگذاشت، با زینب سپرد

(همان، ج ۳: ۲۶).

یا در جایی دیگر، در بیان حوادث پس از شهادت امام می‌سراید:

ساعتی در کربلا بر نیزه بود	بر فراز نی اناالحق می‌سرود (همان: ۳۴)
و یا آن جا که می‌سراید:	

وی لقای دوست را شد خواستار قتل را بر نصر کردی اختیار (همان: ج ۲: ۶۹). هرچند این شاخص‌های گفتمان عرفانی در سرودهای شیخ محمدحسین، به گونه‌ای نیست که گفتمان تاریخی و عاطفی وی از وقایع را تحت‌الشعاع قرار دهد؛ نمی‌توان گفت که گفتمان او خالی از عبارات عرفانی است. مثلاً در شرح زبان حال امام (ع) و یاران او در شب دهم محرم می‌گوید:

با وجود آن که بودی ماتمش،	عالمی می‌سوخت آن شب، از غمش
شاه، سرگرم لقای یار بود	فارغش دل، از همه اغیار بود

(آیتی، ۱۳۳۷: ۳۱۷).

### نتیجه

تحلیل محتوایی و سنخ‌شناسانه آثار خاندان آیتی پیرامون واقعه کربلا نشان می‌دهد که شاخص گفتمان‌های تاریخی، ماورایی، عاطفی و عرفانی در آثار آنها نمود و ظهور پیدا کرده است. مقایسه آثار عاشورایی این خاندان، حاکی از تفاوت تأثیر رویکردها در این آثار است؛ یعنی در برخی آثار عاشورایی، گفتمان تاریخی و در برخی دیگر گفتمان عاطفی و ماورایی غالب بوده است.

در آثار محمدباقر بیرجندی شاخص‌های گفتمان تاریخی نظیر ذکر اسامی و تبیین زمان و مکان واقعه، رویکردی تحلیلی و انتقادی وجود دارد. او بدون در نظر گرفتن "قدرت و شهرت مراجع"، آن‌ها را نقد کرده است.

در آثار محمدابراهیم، مؤلفه‌های گفتمان تاریخی نظیر استناد به منابع، رعایت توالی زمانی رویدادها و ذکر مکان و نام اشخاصی که در حوادث نقش داشته‌اند، نشانه‌ی برتری گفتمان تاریخی است. با وجود نشانه‌های گفتمان تاریخی در آثار محمدحسین و نیز محمدباقر، این نوع گفتمان در نوشته‌های عاشورایی محمدابراهیم جلوه و برجستگی ویژه‌ای دارد. محمدابراهیم با پرهیز از نقل مطالب بی‌اساس، افسانه‌های عامیانه، دروغ‌های گمراه‌کننده؛ و نیز افزودن تحلیل‌های عقلی و علمی بر اطمینان متن و ارزش کلام خود افزوده است.

همه‌ی این ویژگی‌ها سبب شده که برخی از پژوهشگران تاریخ اسلام از او به‌عنوان مورخی کم‌نظیر و مسلط یاد کنند. براهین ارائه‌شده، همه نشان از برتری گفتمان تاریخی و اهمیت آن در آثار محمدابراهیم نسبت به سایر اعضای خاندان وی دارد. به دلیل این ویژگی است که نسبت به دیگر افراد این خاندان، در آثار وی گفتمان عاطفی، ماورایی و عرفانی نمود و بروز کم‌تری دارد. آثار محمدحسین آیتی به لحاظ منظوم‌بودن، نمایان‌گر گفتمان عاطفی به‌عنوان گفتمان چیره در کلام اوست. وی حتی باوجود غلبه‌ی احساس در برخی گفتمان ماورایی‌اش، از گفتمان تاریخی در سروده‌های خود غافل نشده و زمان‌بندی رخدادها و ذکر نام اشخاص در آثار وی جایگاه ویژه‌ای دارد. این ویژگی از وجوه تمایز آثار محمدحسین با سایر آثار منظوم در این زمینه است. نمود گفتمان ماورایی در آثار شیخ محمدحسین پررنگ‌تر است. شاهد این مدعا اشاره نویسنده در مورد دلایل نگارش منظومه سوم کتاب *مقامات/الابرار* است که می‌گوید علت نگارش این منظومه، خواب یکی از علما بوده که در آن، حضرت زینب (س) امر به نگارش منظومه‌ی سوم را به شیخ محمدحسین داده است.

## منابع

- آیتی، محمدحسین (۱۳۳۷). *مقامات الابرار*. تهران: چاپخانه دولتی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۶). *دیوان در غلطان*. تهران: دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱). *بهارستان: در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). *حماسه عاشورا*. شرح و تفسیر اسماعیل آیتی و دیگران. مشهد: اندیشه خرد.
- آیتی، محمدابراهیم (۱۳۷۲). *بررسی تاریخ عاشورا*. تهران: صدوق.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). *سرمایه سخن*، ج ۲. تهران: اندیشه مولانا.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵). *کمال‌الدین و تمام النعمه*، ج ۱. تصحیح علی‌اکبر غفاری. تهران: اسلامیة.
- بیرجندی، محمدباقر (۱۳۵۲). *مفتاح الفردوس*. با تلاش حسین رشتی و غلامرضا بیرجندی. تهران: مطبعه اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). *مکین‌الاساس فی احوال مولانا ابوالفضل العباس*. به کوشش علیرضا ابادری. قم: جمال.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). *کبریت احمر فی شرایط منبر*. قم: نغمه قرآن.
- خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۱۱). *مناقب*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- دارایی، بهنام (۱۳۹۲). "حوزه علمیه تقریب‌گرای سامرا و نقش میرزای شیرازی". *مطالعات تقریب مذاهب اسلامی*، سال هشتم، ش ۳۱ (بهار): ۳۹-۴۹.
- دینوری، احمد بن داوود (۱۳۶۴). *اخبار الطوال*. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی.
- راوندی، قطب‌الدین (۱۳۶۹). *الخرائج و الجرائح*. ترجمه غلامحسین محرمی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- سعیدزاده، محسن (۱۳۶۹). *بزرگان قاین*، ج ۱. قم: ناصر.
- طبری، عمادالدین (۱۳۸۶). *کامل بهایی*. تحقیق و تصحیح اکبر صفدری قزوینی. تهران: مرتضوی.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲). *المنتخب التواریخ*. قم: راضی.
- عباسی، علی اکبر (۱۳۹۶). "معرفی و نقد و بررسی کتاب مکین‌الاساس فی احوال مولانا ابوالفضل العباس". *مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان*، سال یازدهم، ش ۴۴ (تابستان): ۱۰۵-۱۲۵.
- علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۸۲). *تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند*. بیرجند: رزقی.
- فرهادمیرزا (۱۳۷۹). *قمقام زخار و صمصام بتار*. تصحیح محمود محرمی. تهران: کتابچی.
- قمی، عباس (۱۳۹۳). *سفینه البحار و مدینه الاحکم و الآثار*. ترجمه هادی صلواتی. تهران: نوید اسلام.
- مرعشی، سیدمحمود (۱۴۱۶ق.). *المسلسلات فی الاجازات*، ج ۲. قم: مطبعه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). *حماسه حسینی*، ج ۱. تهران: صدرا.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۳۹۵). *الارشاد*، ج ۲. ترجمه امیر خانبلوکی. قم: تهذیب.
- میرابوالقاسمی، سیده‌رقیه (۱۳۹۳). *تحول گفتمان در گزارش واقعه کربلا با تکیه بر آثار فارسی تا نیمه اول قرن دهم هجری قمری*. قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ولی‌پور، محمد (۱۳۹۹). "گفتمان کاوی آثار عاشورایی دکتر محمدابراهیم آیتی". *فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام*، سال بیست‌ویکم، ش ۸۲ (تابستان): ۱۰۹-۱۴۰.